

## رویارویی اسلام با سکولاریزم

(ترجمه)

اسلام با ادیان، عقاید و افکار دیگر در حالت مبارزه نیست؛ چون مفهوم و مصداق مبارزه طوری است که طرف و یا اطراف او با یکدیگر هم‌وزن و هم‌گف باشند یا لاقط طرف‌های مقابل با یکدیگر از نگاه قوت، نزدیک باشند. مثلاً در یک میدان کشتی، قرار دادن طفل کوچک در مقابل مشت‌زن حرفوی یا کشتی‌گیر جهانی که نام آن را جدال یا مبارزه نام بگذاریم مطابق به عقل نیست. پس اسلام با غیر خود از ادیان، عقاید و افکار که زاده فکر بشر می‌باشد در حالت مبارزه نیست و آن‌ها را هیچ در نظر ندارد؛ چه به این برسد که با آن‌ها مبارزه کند و فقط اسلام شاهد بر تمام عقاید و ادیان می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: 33)

*ترجمه: تا آن را بر سایر ادیان غالب و پیروز بگرداند اگر چه برای مشرکان ناخوشایند باشد.*

پس پیشرفت، طرح‌ها، سخنانِ باطل و بیهوده، حتی دین، عقیده و قوانینی کفار که توسط کفار وضع شده باشد؛ همتای اسلام قرار گرفته نمی‌تواند و چه برسد که در میدان مبارزه با آن قرار گیرد و تنها عدالت با غرب و شرق پایانی خوبی می‌باشد که ما با آن داشته باشیم و لازم است دست شخص نادان و سبک را مانند سرپرست و هدایت‌گری عاقل بگیریم تا این که نادانی و جهالت آن زایل شود. انگیزه و سبب نوشتن این مقاله تعرض شخص نادان فرانسه ماکرون است، حاکم دولت استعماری که قوانینش به آن‌ها اجازه داده است که قوانین و روش خود را همتا و هم‌گف در مقابل اسلام قرار دهد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيْرًا﴾ (فرقان: 55)

*ترجمه: و کافر همواره در برابر پروردگارش پشیمان و یار (شیطان) است.*

به درستی با بررسی طرح‌های کفری در قرآن دیده می‌شود که الله سبحانه و تعالی هرگز به چنین طرح‌های ارزش نداده است و نه ارزش علمی دارند که مستحق وقت گذاشتن زیاد را داشته باشند؛ چون این حماقت‌ها و زیاده‌روی‌ها ارزش نظرانداختن را ندارد. اشخاص عاقل و هوشیار و صاحبان بصارت قبول نمی‌کنند، مثلاً الله سبحانه و تعالی در رد گفته‌های کسانی که قایل به خدای خیر و شر بودند، چنین می‌فرماید:

﴿إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ (مؤمنون: 91)

*ترجمه: (اگر جز این بود) هر معبودی آفریده‌هایش را (به سوی خود) می‌برد و بر یکدیگر برتری می‌جستند. الله از توصیفی که بیان می‌کند پاک و منزّه است.*

و نیز دیده می‌شود که سخنان کسانی که نسبت ولد را به الله سبحانه و تعالی می‌دهند متوقف نمی‌گردد و الله سبحانه و تعالی در رد این گفته‌ها می‌فرماید:

﴿لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَاتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (انبیاء: 17)

**ترجمه:** گر می‌خواستیم که بازیچه‌ای بگیریم. اگر [می‌خواستیم چنین] کنیم آن را فراخور خود بر می‌گرفتیم.

هم‌چنان به رد گفته‌های ستمگرانه و تقسیم‌بندی ظالمانه کسانی که ملائکه را به نام بنات (دختران) الله قایل بودند؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴾ (نجم: 22)

**ترجمه:** آن‌گاه این تقسیم ناعادلانه‌ای است.

و نیز به رد گفته‌های کسانی که ادعا داشتند که مسیح علیه السلام را به صلیب کشیدند، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴾ (نساء: 157)

**ترجمه:** و کسانی که در مورد قتلش با هم اختلاف ورزیدند در این باره در شک و تردید به سر می‌برند و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند و به طور قطع او را نکشته‌اند.

پس قرآن کریم بر رد عقاید ابله‌هان و افکار مریض، طریقه خاص دارد و این افکار مریض تبلیغ نمی‌گردد به جز از طرف افراد صاحب عقل فاسد و مجنون و یا افرادی نادانی که حتی ضعیف‌ترین دلیل بر گفته‌های‌شان ندارند.

به درستی که مبارزه امت اسلامی با کفار؛ مبارزه‌ای است به خاطر حق مطلق که آن را امت حمل می‌کنند و مصدر آن الله سبحانه و تعالی است. مبارزه‌ای که عقل‌ها را قانع می‌کند و مطابق فطرت سلیم انسانی است و دولت آینده به خواست الله سبحانه و تعالی هرگز زمان زیادی را در بحث با چنین حماقت‌های صرف نخواهد کرد؛ یعنی شما وقت نخواهد گذاشت، همانطوری که گفته شد (دیدگاه دیگر) را فهم کنید؛ چون صاحبان این دیدگاه‌ها بی‌خرد و نادان هستند! در نتیجه یا دست‌شان را می‌گیرید که به هوش می‌آیند و در غیر این صورت آن‌ها عمیقاً پشیمان می‌شوند و گریزگاهی جز ندامت و پشیمانی ندارند. آن‌چه ماکرون و باورهای سیکولارستی و رسامی‌های او که در مورد مسلمانان انجام دادند؛ چیزی در عقاید و دین آن‌ها نیست.

ختم می‌کنیم قسمت پایان را با تغییر ملایم قرآنی از مکالمه موسی علیه السلام با فرعون و برخی از موارد اعتقادی صحیح را برای او توضیح می‌دهد و این‌که او یعنی موسی علیه السلام فرستاده شده‌ای از جانب الله است و سپس از جانب فرعون که به هامان گفت:

﴿ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُنْبِئُكَ الْأَسْبَابَ 36 سَبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأُطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ﴾

(غافر: 36-37)

**ترجمه:** و فرعون گفت: ای هامان! بُرجی برایم بساز تا به دروازه‌های آسمان برسم. به دروازه‌ها و راه‌های آسمان دست یابم و به خدای موسی بنگرم؛ هرچند موسی را دروغگو می‌پندارم.

درمی‌یابید که او (فرعون) به دلیل حماقت ذهنی، نتایجی را قبل از آماده کردن مقدمات می‌خواست:

﴿ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا... ﴾ (غافر: 37)

**ترجمه:** هرچند موسی را دروغگو می‌پندارم ...

بنابراین، فرعون به دلیل حماقت بیش از حد ادعا کرد که خدا ناقص است و این ادعا در برابر عقل سلیم دلیل شده نمی‌تواند. چرا فرعون از همامان خواست ساختمانی بلند را بسازد که حقیقت خالق را بداند؟ و چرا ارتفاع می‌سازد و چرا در زمین حفری نمی‌کند درحالی‌که این از آن بهتر است؟

لذا کفر یک مرض ذهنی است که مهتاج به مراکز روان‌شناختی و آسایشگاه‌های روانی دارد و ما به عنوان یک مسلمان فکر و عقیده‌ای را نمی‌بینیم که ما را در حالت مبارزه قرار دهد؛ چون دین ما شاهد بر تمام عقاید و ادیان دیگر است و هیچ نقص در آن وجود ندارد؛ الا دولتی که آن را حمل کند. دولتی که مناطق زمین را نورافشانی می‌کند، عدالت و خیر را در بین مردم نشر می‌کند و این همانا دولت خلافت اسلامی است. این دولت حتماً به کفار آشکار می‌گردد و مردم همراه با خانواده و یاران خود اسلام را حمل می‌کنند و تنها مثال در انتشار نور اسلام و فتوحات اسلامی، ابن سرین و موسی بن نصیر نیست. اگر کفار عقل داشته باشند باید بدانند که بلادشان فتح می‌شود و از آن‌ها اسلام و پیروان آن است. اگر بعد از مقاتله با امت اسلامی فرار کنند، برای‌شان رنج است اما بهترین‌ها و خوبی‌ها برپخش عقاید و احکام اسلام است.

**نویسنده:** خالد الأشقر (أبو المعتر بالله)

**مترجم:** پارسا "امیدی"